

# SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله

## افعال آغازی در نثر سعدی و مقایسه آن با افعال شروع عربی

حبیب کشاورز ۱ سعیده بیرجندی ۲

۱- استادیار دانشگاه سمنان

hkeshvarz@semnan.ac.ir

۲- دکترای زبان و ادبیات عربی

Sabirjandi@gmail.com

چکیده:

افعال آغازی، افعالی هستند که دلالت بر شروع یک عمل می‌کنند. این افعال در زبان‌های دیگر از جمله زبان عربی نیز، معادل دارد. معادل افعال آغازی فارسی در زبان عربی، افعال شروع است. افعال آغازی در زبان فارسی از ابتدا وجود داشته و سعدی نیز در نثر خود از این افعال، بسیار استفاده کرده است. در این مقاله، ضمن بررسی افعال آغازی در نثر سعدی به مقایسه آن با افعال شروع در زبان عربی می‌پردازیم. ما در این مقاله، ابتدا به بررسی تحول نثر فارسی از دوره‌های نخستین پیدایش نثر فارسی تا زمان سعدی پرداخته‌ایم، سپس تاثیر زبان عربی بر نثر فارسی را بررسی نمودیم و پس از آن نثر و ادب سعدی و تاثیر زبان عربی بر ادب او را مورد مطالعه قرار دادیم، سپس افعال آغازی در زبان فارسی را توضیح داده و با افعال شروع عربی بر اساس نثر گلستان، مقایسه نمودیم و به این نتیجه رسیدیم که فعل آغازی در نثر سعدی، بیشتر با مصدر فارسی یا عربی همراه است، اما در زبان عربی با فعل مضارع همراه می‌شود که معنای مصدری دارد. همچنین فعل "گرفتن" پر بسامدترین فعل آغازی در نثر سعدی است.

کلمات کلیدی: افعال آغازی، سعدی، افعال شروع، گلستان.

## Comparing between inchoative aspect verb in Sadi's prose and inchoative aspect verb in Arabic language

Habib Keshavarz-<sup>1</sup>

Saeedeh Biajandi -<sup>2</sup>

<sup>1</sup>- Assistant Professor at Semnan University  
hkeshvarz@semnan.ac.ir

<sup>2</sup>- PhD holder of Arabic language and Literature  
Sabirjandi@gmail.com

### Abstract:

*Inchoative aspect is a grammatical aspect, referring to the beginning of a state or an action. This verb has equivalent in other languages such as Arabic language. This verb called "Aghazi" in Persian language and called "shorou" in Arabic language. This kind of verb has been existed since earliest period up to now. Sadi Shirazi has used these verbs in his prose. We want to compare between this verb in Arabic and Persian language based on Sadi's work "Golestan". We first studied the development of Persian prose until now then we studied the impact of Arabic language to Persian then we focused on Sadi's prose then we studied Inchoative aspect in Arabic and Persian language and compared between them. So we would have concluded that an inchoative aspect in Sadi's prose comes with a Persian or Arabic infinitive but it in Arabic language comes with a present tense verb that is the meaning of infinitive. Also the verb "Gereftan: Taking" in Sadi's prose is most usable than other inchoative aspect verbs.*

**Keywords:** Sadi, Golestan, inchoative aspect verb, Arabic and Persian prose.

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی  
«Պարսից գրականություն և պատմություն` ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»  
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով  
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

**مقدمه:**

گلستان سعدی تلفیقی از نظم و نثر است. تقریباً یک سوم این کتاب، به نظم است و مابقی به نثر. نثر سعدی، آمیخته‌ای از نثر مصنوع و مرسل است. یکی از افعالی که در نثر او کاربرد زیادی دارد، افعال آغازی فارسی است. افعال آغازی فارسی را می‌توان، معادل افعال شروع در زبان عربی دانست. افعال شروع در زبان عربی، جزء افعال مقاربه به شمار می‌رود که در گروه افعال ناقصه قرار می‌گیرد. افعال ناقصه را می‌توان به نوعی افعال کمکی در نظر گرفت. افعال آغازی در زبان فارسی نیز زیر مجموعه افعال نمودی است و به نوعی فعل کمکی محسوب می‌شود.

در این مقاله سعی شده تا افعال آغازی در زبان فارسی با افعال شروع در زبان عربی بر اساس نثر سعدی در گلستان، مقایسه و بررسی شود. همچنین تحولات نثر فارسی از ابتدا تا دوره سعدی نیز مورد مطالعه قرار خواهد گرفت و در ضمن آن، اشاره‌ای هم به ویژگی‌های نثر سعدی خواهیم داشت.

**سابقه پژوهش:**

تا کنون کتاب‌ها و مقالات بسیاری در مورد نثر سعدی، به رشته تحریر در آمده اما هیچ کدام، افعال آغازی را در نثر سعدی مورد بررسی قرار نداده است. مقالات زیر، به بررسی کلی افعال آغازی در زبان فارسی پرداخته‌اند:  
مقاله «فعال‌های آغازی فارسی در مقایسه با افعال مقاربه عربی»، دکتر محمد رضا نجاری، ۱۳۹۴. نویسنده در این مقاله به بررسی تاریخی افعال آغازی و تعریف آن‌ها پرداخته و اشاره‌ای گذرا نیز به افعال مقاربه عربی، داشته است.  
اسماعیل حاکمی نیز در مقاله‌ای با عنوان «افعال مقاربه در زبان فارسی»، اشاره‌ای خلاصه و مختصر به افعال آغازی داشته و مثال‌هایی نیز در این زمینه، آورده است.

**سؤالات اصلی پژوهش:**

ما در این پژوهش در پی یافتن پاسخ‌هایی برای سؤالات زیر هستیم:

- ۱- تأثیر نحو عربی در نگارش نثر فارسی در عصر سعدی چگونه بوده است؟
- ۲- سعدی از افعال آغازی تا چه اندازه در نثر خود استفاده کرده است؟

**فرضیه های پژوهش:**

- ۱- زبان عربی از ابتدای شکل‌گیری زبان فارسی در این زبان تأثیرگذار بوده است. این تأثیرات در ابتدا در واژگان و اصطلاحات دینی منحصر می‌شود، اما در دوره سعدی و پیش از آن، این تأثیرگذاری به اوج خود می‌رسد، چنانکه از حد واژگان فراتر رفته و در دستور زبان فارسی نیز، اثر می‌گذارد.
- ۲- افعال آغازی در نثر سعدی به وفور به چشم می‌خورد و پر بسامدترین فعل آغازی که در نثر او دیده می‌شود، فعل "گرفتن" است.

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی  
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»  
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով  
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

### اهداف پژوهش:

ما در این پژوهش در پی بررسی افعال آغازی در نثر سعدی و مقایسه آن با افعال شروع عربی هستیم. همچنین تحول افعال آغازی را در نثر فارسی به صورت خلاصه، بررسی خواهیم کرد.

### روش تحقیق:

روش ما در این تحقیق کتابخانه ای و توصیفی است و با مراجعه به گلستان سعدی و تطبیق آن با نحو عربی صورت می پذیرد.

### تحول نثر فارسی

خاستگاه نثر فارسی را می توان خراسان و نواحی شرقی ایران دانست. این نثر تحت تاثیر دیگر زبان ها خاصه زبان عربی، تحولات بسیاری را به خود دیده است. دوره سعدی یعنی قرن ششم و هفتم، یکی از مهمترین دوران تحول نثر فارسی است. از ویژگی های بارز این دوره، تاثیر زبان عربی بر ادب فارسی به ویژه نثر است. «دوره نفوذ عربی در فارسی را باید به چهار دوره تقسیم کرد:

۱- از قرن اول تا پنجم

۲- از قرن پنجم تا قرن هفتم

۳- از قرن هفتم تا قرن دوازدهم

۴- از قرن دوازدهم تا امروز

از قرن اول تا پنجم تنها کلماتی از عربی وارد زبان فارسی شد که در زبان فارسی وجود نداشت. ولی از قرن پنجم به بعد دروازه زبان برای لغات بیگانه به ویژه عربی باز شد و دسته دسته لغات بیگانه از روی تفنن و تقلید و اظهار فضل، بدون جواز و رعایت اعتدال و حدود، وارد زبان فارسی گردید. (ر.ک: بهار، ۱۳۸۱، ج ۱، ۲۸۶-۲۹۱)

از قرن پنجم به بعد تفنن در تقلید ادبای ایرانی از تازی زیاده تر از اندازه و حد طبیعی رواج گرفت و موازنه و سجع و جمله های مترادف که در نثر بلعمی یا دیگران به زحمت و به ندرت می توانستیم نمونه ای از آن پیدا کنیم در این دوران به حد وافر پیدا آمد، خطبه های طولانی با موازنه و سجع و قافیه و عباراتی دارای جمله های مترادف و اطناب هایی ملال آور به وجود آمد و نثر نویسان برای محقق کردن این مقاصد و به حصول پیوستن این تقالید ناگزیر شدند که از کلمات و لغات و امثال و اشعار و جمله های عربی وام گیرند. (ر.ک: همان، ۳۰۱)

از اواسط قرن ششم هجری تا قرن هفتم و هشتم در آن واحد دو سبک و طریقه در نثر ظهور می کند؛ یکی نثر مرسل و ساده که دارای مترادفات و موازنه است و دیگر، نثر مسجع و فنی مطلق که علاوه بر مترادفات و موازنات زیاد، دارای سجع های فراوان نیز است. (ر.ک: شمیسا، ۱۳۷۹، ۱۵۴) عمده آثار نثر خوب این دوره از سجع های متوالی و تکلفات فنی و التزام به صنایع لفظی خالی است. گلستان سعدی کامل ترین نمونه این شیوه است. (ر.ک: بهار، ج ۱، ۳۱۳) نثر فنی در قرن ششم آغاز شد و آغازگر آن هم، "نصر الله منشی" (ت ۵۸۳) است. «دوره نثر فنی، دوره ایست که در آن، لغات، اصطلاحات و ضرب المثل ها و اشعار عربی برای ورود

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی  
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»  
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով  
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

به زبان فارسی احتیاجی به روایت نداشتند. مرزها باز بود و نویسندگان نشر فنی برای خوشامدگویی به آنها بی تابانه انتظار می کشیدند. از ترکیب زبان فارسی و عربی در نثر فارسی، زبان عربی به وجود آمد که نه فارسی است و نه عربی و نه هیچ ایرانی به درستی آن را در می یابد و نه هیچ عربی.» (شمیسا، ۱۳۷۹، ۸۰) باید توجه داشت که رکن رکین نثر فنی، توجه به زبان و ادبیات عربی بوده است. در حقیقت اگر شاهکارهای شعر فارسی، نثر مرسل در دوره اول و برخی پیشامدهای تاریخی نبود، نثر فنی همچنان ادامه می یافت، چنانکه امروزه دیگر نشانی از زبان فارسی، باقی نمی ماند. زیرا از طریق همین نثر بود که لغات مهجور و شعر غریب عربی در زبان فارسی راه یافتند و به این طریق، مقداری از قواعد دستوری و اطلاعات تاریخ ادبیات عربی برای همیشه جزء علوم ادبی زبان فارسی شدند. چون نویسندگان نثر فنی منشیان و دبیران درباری بودند که طی تحصیلات خود، آشنایی کافی با زبان و ادبیات عربی پیدا کرده بودند. (ر.ک: شمیسا، ۷۷ و ۷۹)

نثر موزون دو نوع است؛ نثر موزون مرسل که نمونه آن "مناجات خواجه عبدالله انصاری" و دیگری نثر موزون فنی است که نمونه اش "مقامات حمیدی" است اما این دو شیوه، هر دو ابتر ماند تا آنکه در قرن هفتم سعدی با در آمیختن آن دو، سبک خاص خود را در گلستان به وجود آورد. (ر.ک: همان، ۹۴)

### تأثیر زبان و ادبیات عربی بر نثر فارسی

در عالم هیچ زبانی نیست که با زبان دیگری آمیخته نشده باشد، مگر زبان مردمی که هرگز با مردم دیگر آمیزش نکنند و این نیز محال است زیرا به طرق گوناگون مانند؛ تجارت، سفر، معاشرت و حتی به واسطه شنیدن افسانه ها و روایات ملل دیگر، لغاتی از آن مردم در این مردم، نفوذ می کند و همه زبانهای عالم از این رو دارای لغت های دخیل است. (ر.ک: بهار، ۱۳۸۱، ج ۱، ۲۷۹)

ملک الشعرای بهار، تأثیر پذیری یک زبان از زبان های دیگر را به چند شیوه تقسیم می کند:

- ۱- یک زبان برای غنی کردن خود، واژه های زبان دیگر را وام می گیرد و در آن تغییر ایجاد می کند.
- ۲- یک زبان برای غنی کردن خود، واژه های زبان دیگر را وام می گیرد و آن را بدون تغییر استفاده می کند.
- ۳- «طریقه دیگر کاری است که از قرن هفتم و هشتم هجری نویسندگان آغاز کرده و یکباره محو زبان عرب شدند و آن این بود که لغات عرب را بجای آن که به وام بستانند و به قدر احتیاج خرج کنند و با آن مثل ملک شخصی معامله کنند- مثل خوان یغما غارت کردند و هر کس تعجیل داشت که بیش از رفیقش برگیرد و سپس آن لغات را مانند تاج مرصع یا قلاده زرین آویزه سر و گردن نثر و نظم ساختند و هفت اندام کلام به زیورهای بیگانه چنان آراستند که اثری از خود اندام، برجای نماند! و صرف و نحو فارسی را پیرو لغات و ترکیبات عربی کردند و قواعد عربی را در زبان فارسی به کار بستند تا کار به جایی رسید که کلمات فارسی را با روابط و حروف جر و اسماء اشاره تازی و افعال را به صیغه های اصلی عربی وارد کلام ساختند و قواعد اعراب و تذکیر و تانیث و صفت و موصوف را مانند صرف و نحو عربی، متابعت کردند تا از این میانه تلگرافخانه مبارکه و همشیره نورچشمه و خبر واصله و غیره ... و بجای تواند بود"، یمکن از باب امکان و عوض شاید، لعل و بجای نابود شد، جمله کآن لم یکن، به کار افتاد.» (همان، ۲۸۲)

کنفرانس بین‌المللی شرق‌شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی  
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»  
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով  
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

دانشمندان و درباریانی که با زبان عربی انس و الفت یافته بودند در زبان فارسی تاثیر بسیاری گذاشتند. در واقع فراوانی لغات عربی در نوشته‌های فارسی، بیشتر نتیجه کارهای همین دسته از افراد است. یکی دیگر از مسائل تاثیرگذار در زبان فارسی، ترجمه علوم دینی، متون مربوط به تصوف، علوم قرآنی و نقلی از عربی به فارسی است. زیرا نویسندگان اصطلاحات این فنون را جز در مواردی خاص، عینا در زبان فارسی به کار می‌بردند. (ر.ک: خانلری، ۱۳۶۹، ج ۱، ۳۱۳)

### نثر و ادب سعدی

نثر سعدی، آمیخته‌ای از نثر مرسل و فنی است. (ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۷۸، ۵۰) «گویا سعدی با تتبع در آثار ادبی پیش از خود دریافته بود که این دو شیوه ابتر مانده است و جای آن دارد که کسی آنها را ادامه دهد. از طرفی دیگر، سعدی اقامت طولانی در کشورهای عربی زبان داشته و در مدسه نظامیه بغداد تحصیل کرده بود و به همین دلیل، او علاقمند به ادبیات عرب و مقامات بود. (ر.ک: شمیسا، ۱۳۷۹، ۱۵۵) راهی که سعدی می‌گشاید آمیزش نثر مرسل و مصنوع و رعایت حد اعتدال است. در واقع او مبدع نوعی نثر است که در آن، نثر مرسل و مصنوع با هم پیوند خورده‌اند. (ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۷۸، ۵۱ و ۵۲) به این معنا که او گاهی نمایان‌گر نثر فنی مسجوع غیرمتکلف است، اما بیشتر، نثر فنی مرسل را به کار برده که با اسلوبی ساده، دو نوع نثر مرسل و فنی را جمع کرده است. (ر.ک: ابراهیم محمد، ۲۰۰۰، ۴۸)

خصوصیت آشکار شیوه گلستان، سادگی و روشنی است. مجاز و مبالغه‌های آن، زیاده از حد نیست و صنعت و پیرایه جز به ندرت دیده نمی‌شود. تکرار و اطناب را دوست نمی‌دارد و به همین دلیل کلامش ملال‌انگیز نیست. (ر.ک: زرین کوب، ۱۳۷۹، ۱۲۸)

### سعدی و ادب عربی

سعدی از دوران کودکی با زبان و ادبیات عربی، آشنایی داشته زیرا در مکتبخانه‌های آن زمان، معارف اسلامی و زبان و ادبیات عربی به دانش آموزان، تعلیم داده می‌شد. پس از آن نیز در دوران جوانی به بلاد عربی سفر کرد و در نظامیه بغداد به ادامه تحصیل مشغول شد. او سالها خطیب و واعظ بوده و به همین جهت بر زبان عربی، کاملا تسلط داشته است. (ر.ک: موید شیرازی، ۱۳۷۶، ۶ و ۷) تسلط سعدی بر زبان و ادبیات عربی، «بخش مهمی از خمیر مایه هنری شعر او را تشکیل داد و مستقیما در شعر او و از راه شعر او در شعر فارسی، سخت موثر افتاد.» (همان، ۳۶)

او علاوه بر اینکه در نثرش تحت تاثیر زبان عربی است گاهی نیز متنهای عربی که بدان استشهاد کرده را دقیقا ترجمه می‌کند که این مساله نشان دهنده توانایی او در زمینه زبان عربی است. در گلستان می‌خوانیم: «عرب گوید: جد ولا تمنن لأن الفائدة الیک عائده یعنی ببخش و منت منه که نفع آن به تو باز گردد» (سعدی، ۱۳۸۴، ۱۶۹) سعدی در گلستان از نثرنویسان عرب و شیوه نگارش آنها، مانند جاحظ (ت ۲۵۵ ق) تاثیر پذیرفته است. (زرین کوب، ۱۳۷۹، ۱۲۸) او با عرب و زندگی و زبان و ادب عربی، انس گرفته بود. اشعار متنبی و شاعران حماسه را خوانده بود و از آنها بسیار چیزها در خاطر داشت. او خود اشعاری نیز به عربی دارد که اندیشه‌ها و دردهایش را به زبان متنبی (۳۰۳-۳۵۴) و بحتری (۲۰۶-۲۸۴) بیان کرده بود. (ر.ک: همان، ۸۲)

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی  
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»  
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով  
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

در دوره حمله مغول نواحی شیراز و اطراف آن، از مرکز ادبی ایران، یعنی خراسان دور بودند و به این سبب فارسی دری هر روز میان عموم طبقات، رواج و انتشار نیافته بود. گویش‌های متعدد محلی در هر قسمت، زبان عامه مردم بود و تنها کسانی که اهل علم و ادب بودند فارسی دری را می‌آموختند و در آثار دیوانی، اداری، علمی و ادبی به کار می‌بردند، اما همین کسان در خانه و بازار به گویش محلی خود صحبت می‌کردند بنابراین فارسی دری زبان مادری و طبیعی ایشان نبود و تنها از راه درس خواندن این زبان را می‌آموختند. وجود بیتها و مصراعهایی در کلیات سعدی شیرازی که به گویش محلی شیراز است و نیز غزلی ملمع در دیوان حافظ با مصراعهایی به زبان شیرازی، شواهد صریحی است بر آنکه زبان گفتار روزانه این شاعران با زبانی که در آثار خود به کار می‌بردند یعنی فارسی دری یکسان نبوده است. (ر.ک: خانلری، ۱۳۶۹، ج ۱، ۳۷۰ و ۳۷۱)

### افعال آغازی در زبان فارسی

در دستور زبان فارسی، افعالی همچون افعال آغازی، نزدیکی و آرزویی دیده می‌شود که با افعال عربی قابل قیاس است افعال شروع عربی و فعل آغازی فارسی از جهت دلالت معنایی بر آغاز کار و رویداد با هم برابرند. فعل آغازی به فعلی گفته می‌شود که علاوه بر معنای اصلی خود، بر انجام گرفتن و دادن عمل هم دلالت کند. افعال آغازی، بر شروع جریان فعلی دلالت می‌کنند و فعلی که منظور اصلی است، غالباً به صیغه مصدر است. (ر.ک: نجاریان، ۱۳۹۴، ۳۴۷ و ۳۴۹) این دسته از افعال، «همراه مصدر یا اسم مصدر یا حاصل مصدر فعل اصلی می‌آیند و آغاز کار یا حالت را می‌رسانند. فعل‌های آغازی معروف، عبارتند از: گرفتن، آغاز کردن، آغازیدن، شروع کردن و ...» (احمدی گیوی، ۱۳۸۴، ۳۱۵)

خانلری فعل "گرفتن را یکی از افعال آغازی در نظر می‌گیرد. ویندفور (۱۹۷۹) اشاره‌ای به این مضمون دارد که فعل «گرفتن» می‌تواند دو معنی داشته باشد: جنبه کامل و جنبه آغازی. از فعل "گرفتن" در فارسی امروز در ساخت‌های ترکیبی ساختی جدید پدید آمده که به صورت «نمود کامل» با فعل اصلی ظاهر می‌شود و معنی آغاز فعل اصلی را می‌رساند: بگیر بخواب. / گرفتند خوابیدند. / گرفتم حسابی کتکش زدم.

فعل «از سر گرفتن»، نیز که از «گرفتن» مشتق شده است، فعلی نمودی است. بنابراین، مانند «آغاز کردن» در تمامی ساخت‌های فعل نمودی شرکت می‌کند:

علی کار را از سر گرفت. / علی دیدار را از سر گرفت. / علی نوشتن را از سر گرفت. (ابوالحسنی چیمه، ۱۳۸۳، ج ۱، ۵)  
پیش از آنکه به بررسی و مقایسه افعال آغازی فارسی با افعال شروع عربی، بپردازیم، مختصری درباره افعال شروع در زبان عربی و معادل‌های فارسی آن، سخن می‌رانیم:

### افعال شروع در زبان عربی و معادل‌های فارسی آن

افعال شروع، بخشی از افعال مقاربه و زیر مجموعه آن محسوب می‌شود. افعال مقاربه، افعال ناقص هستند، به این معنا که فاعل ندارند. افعال مقاربه در زبان عربی به "کاد و اخواتها" معروف هستند. این افعال، یک اسم مرفوع و خبر منصوب دارند. خبر افعال مقاربه حتماً باید فعل مضارع باشد که گاهی با «أن» و گاهی بدون آن می‌آید. این افعال به سه دسته تقسیم می‌شود:



کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی  
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»  
«միջազգային արևելագիտական գիտաժողով»  
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

الف- افعال مقاربه: نشان دهنده نزدیکی وقوع خبر است که عبارتند از؛ "کاد، کرب و اوشک" (۲۱۹)

ب- افعال رجاء: امید به وقوع خبر را نشان می دهد که عبارتند از "عسی، حری و اخلولق"

پ- افعال شروع: نشان دهنده شروع خبر. این افعال بسیار زیاد است که همه آنها به معنای شروع شدن است. مهمترین آنها عبارتند از "شرع، أخذ، طفق و أنشأ" (مغالسه، ۱۹۹۷، ۲۱۹-۲۲۴)

از آنجایی که فعل اصلی و مهم این دسته از افعال، "أخذ" است که معادل فعل آغازی "گرفتن" در زبان فارسی است و این فعل آغازی در نثر سعدی نیز کاربرد زیادی دارد، ما نیز در این مقاله، بیشتر به این فعل خواهیم پرداخت. برخی از پرکاربردترین افعال شروع عربی، عبارتند از:

أ- أخذ: اصل آن «أخذ الشيء» به معنای گرفتن چیزی است. فعل أخذ در قرآن نیز به کار رفته: «فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخَذُوهُمْ وَاحْضَرُوهُمْ» (توبه/۵) در این آیه فعل أخذ در معنی شروع به کار نرفته است.

در واقع، فعل "أخذ" هر وقت با یک فعل مضارع بیاید، به معنای شروع کردن به انجام کاری است. مانند جمله ذیل که أخذ همراه با یک فعل مضارع آمده و معنی شروع کردن دارد: إخذ الطفلُ يَبْكِي: کودک شروع کرد به گریستن

ابن فارس (۳۹۷ت) در ذیل کلمه (أخذ) می گوید: «الأصل هو حوز الشيء وجمعه» این فعل از پرکاربردترین افعال شروع محسوب می شود چنانکه دکتر یاقوت معتقد است: «عرب زبانان معاصر از میان افعال شروع، تنها این فعل را به کار می برند و باقی افعال در زبان عربی معاصر، مهجور مانده است.» (ابن فارس، ۱۹۷۲، ج ۱، ۶۸)

ب- جعل و أنشأ: در اصل به معنای به وجود آوردن است. برای مثال در قرآن آمده: «أَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنشِئُونَ» (واقعه/۷۲) در این آیه، أنشأ فعل مقاربه نیست، چون اسم و خبر ندارد، بلکه فعل تام است و به جای اسم و خبر، فاعل گرفته.

(ر.ک: سامرائی، بی تا، ج ۱، ۲۵۹) این دو فعل نیز هرگاه با یک فعل مضارع بیایند، بر مفهوم شروع، دلالت می کنند:

جعل اللاعبون يتدربون: بازیکنان شروع به تمرین کردند.

أنشأ الشاعر يلقى قصيدته: شاعر شروع به خواندن قصیده اش کرد.

### افعال آغازی در نثر سعدی

در نثر سعدی، افعال آغازی کاربرد و نمود بسیار زیادی دارد و شکل به کار رفته این افعال در نثر سعدی، شکل قدیم آن است یعنی از افعالی مانند "گرفتن" به عنوان فعل آغازی استفاده شده. نکته مهمی که در نثر سعدی قابل توجه است، آنکه او بیشتر از فعل "گرفتن" به عنوان یک فعل آغازی استفاده کرده است. فعل آغازی در نثر فارسی در ادوار پیش از سعدی هم رواج داشته و چندین فعل از جمله «انداختن، افتادن، درآمدن، گرفتن» را به عنوان فعل آغازی نام برده اند که در این میان فعل "گرفتن" پرکاربردتر از باقی افعال بوده است. (ر.ک: نجاریان، ۱۳۹۴، ۳۵۳) برای نمونه، ابوالفضل بیهقی (۳۸۵-۴۷۰) در کتابش "تاریخ بیهقی از این دسته

<sup>۱</sup> هنگامی که ماههای حرام پایان گرفت مشرکان را هر کجا بیابید به قتل برسانید و آنها را اسیر سازید و محاصره کنید.

<sup>۲</sup> آیا شما درخت آن را آفریده‌ید یا ما آفریده‌ایم؟

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی  
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»  
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով  
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

افعال آغازی، بسیار استفاده کرده است: «قوم بجمله بپراگندند و ساختن گرفتند» و «قوم، سوی هرات به خدمت رفتن، گرفتند.»  
(بیهقی، ۱۳۸۹، ج ۱، ۹ و ۱۹)

أ- فعل گرفتن: همانطور که گفتیم فعل "گرفتن" از جمله پرکاربردترین افعال آغازی در نثر سعدی است و همچنین قبلاً گفتیم که فعل "گرفتن" دقیقاً معادل فعل شروع "أخذ" در عربی است. در اینجا به بررسی این فعل آغازی در نثر سعدی می‌پردازیم: سعدی در حکایت بیست و هشتم از باب سوم گلستان می‌گوید: «بعد از شبان روزی، بر کنار افتاد از حیاتش رمقی مانده، برگ درختان خوردن گرفت و بیخ گیاهان برآوردن تا اندکی قوت یافت.» (سعدی، ۱۳۸۴، ۱۲۳) وی همچنین در حکایت سی و دوم از باب دوم گلستان می‌گوید: «عابد طعامهای لطیف، خوردن گرفت و کسوتهای نظیف پوشیدن و از فواکه و مشموم و حلوت تمتع یافتن و در جمال غلام و کنیزک نگریستن» (همان، ۱۰۱) در مثال مذکور، چنانکه مشهود است، فعل گرفتن در سایر جملاتی که به جمله اول عطف شده، به قرینه حذف شده است، زیرا حذف فعل یا به قرینه فعلی است که در جمله قبل ذکر شده یا به قرینه فعلی است که در جمله بعد می‌آید. اما نوع اول، یعنی حذف فعل به قرینه جمله قبل، بیشتر کاربرد دارد. (ر.ک: صدیقیان، ۱۳۸۳، ۱۵۸)

او همچنین در حکایت بیست و یکم از باب سوم می‌گوید: «شنیدم که سر از فرمان ملک باز زد و حجت آوردن گرفت و شوخ چشمی کردن» (همان، ۱۱۷) او در حکایت بیست و سه از باب سوم می‌گوید: «دست دعا برآورد و فریاد بی فایده خواندن گرفت» (همان، ۱۱۸) معادل فعل آغازی "گرفتن" فارسی در زبان عربی، فعل "أخذ" است که در میان افعال شروع عربی، بسیار پرکاربرد و حتی پرکاربردترین است، همانطور که این فعل در نثر سعدی نیز بسیار پرکاربرد است. فعل آغازی گرفتن، هم از لحاظ معنا و هم از لحاظ کاربرد با فعل شروع أخذ در زبان عربی، برابری می‌کند.

ب- فعل افتادن: فعل "افتادن" یکی از افعال آغازی فارسی به شمار می‌رود. (ر.ک: نجاریان، ۱۳۹۴، ۳۵۳) سعدی در حکایت بیست و هشت از باب سوم گلستان از فعل افتادن به عنوان یک فعل آغازی استفاده کرده است: «به حکم ضرورت، خسته و مجروح در پی کاروانی افتادن» (سعدی، ۱۳۸۴، ۱۲۴) در حکایت دوازدهم از باب هفت آمده: «سالی نزاعی میان پیادگان حجاج، افتاده بود و داعی در آن سفر هم، پیاده بود.» (همان، ۱۵۹) در مثال مذکور، مصدر به کار رفته همراه با فعل آغازی، یک مصدر عربی است که این یکی از شیوه‌های به کارگیری فعل آغازی در زبان فارسی است که در آن، فعل آغازی همراه با یک مصدر عربی می‌آید. (ر.ک: نجاریان، ۱۳۹۴، ۳۵۱) فعل آغازی "افتادن" در زبان عربی به عنوان یک فعل شروع، برابر و معادلی ندارد.

ت- در آمدن: «این فعل یکی از افعال آغازی در زبان فارسی محسوب می‌شود. مانند: پرچم ایران به اهتزاز درآمد.» (نجاریان، ۱۳۹۴، ۳۵۳) سعدی در باب هشتم گلستان می‌گوید: «زر از معدن به کان کندن به درآمد و از دست بخیل به جان کندن» (سعدی، ۱۳۸۴، ۱۸۸) فعل آغازی "درآمدن" در زبان عربی به عنوان یک فعل شروع، برابر و معادلی ندارد.

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی  
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասնի Շիրազիի»  
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով  
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

افعال شروع در زبان عربی و مقایسه آن با افعال آغازی در زبان فارسی

فعل شروع در زبان عربی از دو فعل تشکیل شده؛ یک فعل شروع و یک فعل مضارع که بعد از آن می‌آید که فعل مضارع در این ترکیب، همیشه معنای مصدری می‌دهد. (ر.ک: فاتحی نژاد، ۱۳۸۲، ۹۳) مانند: أنشأت الحكومة تبني مصانع جديدة؛ دولت شروع به ساختن کارخانه های جدیدی کرد.

در فارسی نیز افعال شروع از دو بخش تشکیل می‌شوند؛ یک فعل شروع و یک مصدر یا اسم مصدر (ر.ک: احمدی گیوی، ۱۳۸۴، ۳۱۵) مانند: «بفرمودش تا حاضر آوردند و ملامت کردن گرفت» (سعدی، ۱۳۸۴، ۱۴۴) چنانکه ملاحظه شد چه در زبان فارسی و چه در زبان عربی، فعل (عمل) اصلی به صورت مصدر می‌آید که از لحاظ نوشتاری در زبان عربی، واقعا یک فعل است اما مصدری ترجمه می‌شود و مفهوم مصدری دارد ولی در زبان فارسی، یک مصدر است.

تفاوت دیگر آنکه عمل اصلی در زبان عربی، بعد از افعال شروع می‌آید: (أخذ الشاعر ينشد) اما در زبان فارسی، ساختار متفاوت است و ابتدا عمل اصلی و در پایان فعل آغازی می‌آید: «بازرگانان گریه‌زاری کردن گرفتند» (سعدی، ۱۳۸۴، ۱۴۳)

نکته قابل توجه اینکه، فعل آغازی در زبان فارسی قدیم، به این صورت بوده که ابتدا عمل اصلی بیان می‌شده و بعد فعل آغازی در انتهای جمله به کار می‌رفته است. مانند: «(این ملک به کشتن گرفت) / (هر دو، زمین به کندن گرفتند)» (احمدی گیوی، ۱۳۸۴، ۳۱۵) اما در زبان فارسی معاصر، مانند زبان عربی، ابتدا فعل آغازی می‌آید، سپس عمل اصلی که معمولا به شکل مصدر است، نوشته می‌شود. مانند: باران شروع به باریدن کرد.

فعل آغازی در ایران باستان به گونه های ماضی، مضارع و امر در متون دیده شده، اما فعل شروع عربی تنها به صورت ماضی می‌آید. (ر.ک: نجاریان، ۱۳۹۴، ۳۵۱)

افعال شروع عربی، غیر از دلالت بر شروع یک فعل، کاربردهای دیگری هم دارند. مثلا فعل أخذ، بر مفاهیمی چون گرفتن، برداشتن و غیره دلالت می‌کند. مانند: أخذ علیّ الكتاب؛ علی کتاب را برداشت. این افعال با رعایت دو شرط در شمار افعال شروع به حساب می‌آیند. یکی اینکه حتما باید در صیغه ماضی باشند و دیگر آن که فعلی که پس از آن می‌آید حتما باید در صیغه مضارع باشد که در اینصورت اینگونه افعال، ناقص به شمار می‌روند یعنی به جای فاعل، اسم و خبر می‌گیرند و اگر جزء افعال شروع محسوب نشوند، فعل تام هستند و فاعل می‌گیرند. (ر.ک: حلوانی، ۲۰۰۰، ۱۲۵)

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی  
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասադի Շիրազիի»  
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով  
**International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History**

نتیجه:

- ✓ افعال آغازی در دوره‌های پیش از سعدی هم وجود داشته. سعدی نیز از آن افعال در نثر خود، بارها استفاده کرده است.
- ✓ افعال آغازی فارسی همراه با مصدر می‌آید اما در زبان عربی باید با فعل مضارع همراه شود هرچند که معنای مصدری می‌دهد.
- ✓ "گرفتن" به عنوان یک فعل آغازی، بیشترین کاربرد را در نثر سعدی دارد و از لحاظ کاربرد و معادل، دقیقاً برابر فعل شروع "أخذ" در عربی است.
- ✓ مصدر همراه با فعل آغازی در نثر سعدی، گاهی فارسی و گاهی هم عربی است.

Archive of SID

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی  
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»  
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով  
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

فهرست منابع:

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابراهیم محمد، أمل، (۲۰۰۰)، الأثر العربی فی أدب سعدی الشیرازی، قاهره، الدار الثقافیة للنشر، (چ ۲)
- ۳- ابن فارس، (۱۹۷۲)، معجم مقاییس اللغة، بیروت، دارالجلیل، (چ ۲).
- ۴- ابوالحسنی چیمه، زهرا، (۱۳۸۳)، پژوهشی در فعل‌های نمودی در زبان فارسی، مجموعه مقالات ششمین کنفرانس زبان‌شناسی دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبایی، ج ۱، تهران، دانشگاه علامه.
- ۵- احمدی گیوی، حسن، (۱۳۸۴)، دستور زبان فارسی فعل، تهران، نشر قطره.
- ۶- بهار، محمد تقی، (۱۳۸۱) سبک شناسی، تهران، انتشارات زوار.
- ۷- بیهقی، ابوالفضل، (۱۳۸۹)، تاریخ بیهقی، به کوشش خطیب رهبر، تهران، مهتاب، (چ ۱۴).
- ۸- حلوانی، محمد خیر، (۲۰۰۰) الواضح فی النحو، بیروت، دارالمأمون للتراث، (چ ۶).
- ۹- ذوالفقاری، حسن، (۱۳۷۸) زیباشناسی نثر سعدی، نامه فرهنگستان، ، ۳۸، ص ۵۰-۷۰
- ۱۰- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۹) حدیث خوش سعدی، تهران، انتشارات سخن.
- ۱۱- سامرائی، فاضل صالح، (بی تا) معانی النحو، قاهره، شركة العاتک لصناعة الكتاب.
- ۱۲- سعدی، (۱۳۸۴) گلستان، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران، انتشارات خوارزمی.
- ۱۳- شمیسا، سیروس، (۱۳۷۹) سبک شناسی نثر، تهران نشر میترا.
- ۱۴- فاتحی نژاد، عنایت الله، بابک فرزانه، (۱۳۸۲) درآمدی بر مبانی ترجمه، تهران، نشر آیه، (چ ۲)
- ۱۵- مغالسه، محمود حسنی (۱۹۹۷) النحو الشافی بیروت، مؤسسة الرسالة، (چ ۲)
- ۱۶- موید شیرازی، جعفر، (۱۳۷۶) سیمای سعدی، شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز.
- ۱۷- نائل خانلری، پرویز، (۱۳۶۹) تاریخ زبان فارسی، تهران، نشر نو، (چ ۴).
- ۱۸- نجاریان، محمدرضا، نجه حیدری نسب، (۱۳۹۴)، فعل‌های آغازی فارسی در مقایسه با افعال مقاربه عربی، نشریه ادبیات تطبیقی دانشگاه ش باهنر کرمان، سال ۷، ش ۱۲. (۳۵۸-۳۳۹)
- ۱۹- صدیقیان، مهین دخت، (۱۳۸۳)، ویژگی‌های نحوی زبان فارسی در نثر قرن پنجم و ششم هجری، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

# SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله